

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت، دسمبر ۲۰۰۲م

کوه آسمانی

اگر در خواب می دیدم غم روز جدائی را
ترا فرمانروای جان و دل کردم ندانستم
زهر سو بر سر من محنت و بیداد می بارد
به تلخی گوشه چشمی به ما هم میتوان کردن
به تو از عشق اگر افسانه بسیار می خوانند
دوزلفت رشته ها در گردنم افکنده ، می دانم
سر عزت به بام عرش می سائی ، اگر یابی
شبی برخوان وصل خویش مهمان میتوان کردن
به قربان سرت گردم ، به قتل من کمر بستی؟؟
قسم بر شیر مادر ، جوی شیرم یاد می آید
به کوری رقیب این شعر گفتم کونمی بیند
به دل هرگز نمی بستم خیال آشنائی را
که طفل ، اصلاً ندانند شیوه فرمانروائی را
مگر گردون گرفته شیوه مرد آزمائی را
نصیب دیگران کردی اگر شیرین ادائی را
تمیز خوب و بد کن ، یار نانی و فدائی را
که آخر می برم در خاک امید رهایی را
به زیر پای مهرویان رموز جبهه سائی را
سیه روزی که در پا بسته زنجیر گدائی را
که خون آلوده می بینم کف دست حنائی را
به دل می پرورم سودای کوه آسمائی را
بزلف تو سیاهی را ، به شعر من رسائی را

به رندی شهره بودی ، لاف تقوی میزنی امروز

«اسیر» آخر ز کی آموختی این پارسائی را